

تحلیل عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل

وکیل حیدری ساربان^{۱*} و عبدالرضا رکن الدین افتخاری^۲

۱، دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

۲، استاد دانشگاه تربیت مدرس، استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی.

(تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۶ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱۹)

چکیده

افزایش و تامین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی و ارتقای بهره‌وری کشاورزی مستلزم افزایش کارایی، اصلاح ساختار مدیریتی و بازآفرینی کشاورزان می‌باشد که آن نیز نیاز به تغییرات اساسی در دانش، نگرش، مهارت و تغییرات رفتاری در کشاورزان دارد. همچنین، پتانسیل‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی به دلیل این‌که درون‌مایه‌های فضایی هر منطقه محسوب می‌شود و فعالیت در عرصه فضا را تسریع می‌کند، از عوامل موثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شود. هدف کلی مقاله حاضر تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل است. روش تحقیق از نوع پیمایشی و تبیینی است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه به کشاورزان ساکن در مناطق روستایی استان اردبیل که جامعه آماری تحقیق را شامل می‌شود، مراجعه شد. در این میان، تعداد کل بهره‌برداران کشاورزی استان اردبیل ۱۰۹۱۸۷ برآورد گردید. همچنین، برای تعیین حجم نمونه بهره‌برداران کشاورزی ساکن در نقاط روستایی از طریق فرمول کوکران استفاده و در نهایت، حجم نمونه ۲۵۶ نفر تعیین گردید. برای تعیین روایی محتوای پرسش‌نامه از نقطه‌نظرات کارشناسان مختلف سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل و دانشجویان رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و ترویج کشاورزی استفاده شد. همچنین، برای تعیین پایایی کمی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ و نرم‌افزار SPSS، استفاده شد که ۰/۷۵ محاسبه شد. نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان داد که عامل اجتماعی با ۰/۴۴ درصد و اقتصادی با ۰/۳۶ درصد بیش‌ترین تاثیر را در میزان توانمندسازی کشاورزان دارد و در مرحله، بعد عامل محیطی با ۰/۳۵ درصد تاثیر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، توسعه کشاورزی، کشاورزان، تحلیل مسیر، استان اردبیل.

مقدمه

تقاضای جهانی برای غذا، درصد جمعیتی که در کشورهای در حال توسعه مستقیماً از طریق کشاورزی امرار معاش می‌نمایند، سیر نزولی دارد و افزایش تولید بیش از آن‌که به علت افزایش تعداد تولیدکنندگان باشد، مستلزم افزایش تولید محصولات کشاورزی با به‌کارگیری

مطالعات FAO نشان می‌دهد که با وجودی که کشورها در حال رشد می‌باشند، اما تقریباً در تمام کشورهای جهان سوم جمعیت فعال در بخش کشاورزی از نظر اقتصادی در حال کاهش است و علی‌رغم افزایش

پایدار می‌باشد (Hayes, 2000:120). هم‌چنین توانمندسازی، فرآیند ارتقای ظرفیت کشاورزان به منظور بالا بردن قدرت انتخاب می‌باشد. (Sarvanan, 305: 2007) و نیز، توانمندسازی کشاورزان به عنوان یک رویکرد نوین انگیزش درونی فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی، به معنی آزاد کردن نیروهای درونی کشاورزان و هم‌چنین فراهم کردن بسترها و به وجود آوردن فرصت‌ها برای شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌های آنان می‌باشد (Heidari sarban, 2009). از نظر Steain توانمندسازی به عنوان فرآیند گروهی جهت هدایت و (رهبری) تغییرات اجتماعی و فردی می‌باشد. که عموماً به نتایج فعالیت‌های توان‌بخشی مانند قدرت دستیابی به موفقیت بیشتر، عزت نفس والاتر و یا کنترل مازاد بر درآمد شخصی در کشاورزان منجر می‌گردد (Steain, 1997: 1). هم‌چنین، به‌زعم Blau & Alba توانمندسازی کشاورزان به معنی تشویق آنان برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیرهایی است که بر فعالیت آنها موثر است، یعنی این‌که فضایی برای کشاورزان فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی را بیافرینند و آنها را به عمل تبدیل کنند. (Blau & Alba, 2005). در این ارتباط می‌توان گفت یافته‌های علمی نشان می‌دهد که جهت توانمندسازی کشاورزان ابتدا باید از تغییرات فکری و نگرشی کشاورزان آغاز کرد (Riahi, 2005). افزون بر این، یافته‌های علمی نشان می‌دهد پتانسیل‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی به‌دلیل این‌که درون‌مایه‌های فضایی هر منطقه محسوب می‌شود و فعالیت در عرصه فضا را تسریع می‌کند از عوامل موثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شود. هم‌چنین، فرض بر این است که رابطه‌ای مستقیم و علت و معلولی بین توانمندسازی کشاورزان و بهره‌وری کشاورزی وجود دارد، در حالی‌که نقش توانمندسازی به کاهش فقر در سطح وسیعی شناخته شده است (Roknaldin Eftekhari et al., 2009) و نیز، اثرات توانمندسازی در برگزیده توزیع قدرت بین کشاورزان، کاهش آسیب‌پذیری آنان از جنبه‌های مختلف، ارتقای اطلاعات اقتصادی، کاهش فقر، سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و نیز فرهنگ به عنوان وسیله تکامل هویت اجتماعی، برخورداری از

نیروی انسانی توانمند در بخش کشاورزی یا به عبارتی توانمندسازی کشاورزان است (FAO, 1993). در لغتنامه انگلیسی آکسفورد، توانمندسازی به معنای اعطای قدرت به مردم بیان شده است و اعطای قدرت به مردم یعنی ارتقای توانایی، و توانا ساختن آنان جهت انجام، عمل و اقدام (Roknaldin Eftekhari and et al, 2009: 52). توانمندسازی از سه مولفه به‌طور هم‌زمان تشکیل شده است: اولین مولفه منابع یا پیش‌شرط نامیده می‌شود، دومین مولفه عنصر عمل و یا عاملیت و سومین نیز نتایج است. بر همین اساس، گفته می‌شود که پیش‌شرط به دو قسمت منابع و زمینه توانمندسازی قابل تقسیم است. می‌توان گفت منابع توانمندسازی عوامل و سرمایه‌هایی هستند که کشاورزان را در برابر شوک‌های ناگهانی حفظ می‌کنند و توانمندسازی را تسهیل می‌کنند ولی زمینه توانمندسازی خصوصیات محیط و مانند آن است که توانمندسازی آنها را تسهیل می‌کند (Klantari et al., 2010: 108-109). گفتنی است سه رویکرد در توانمندسازی مدنظر است که در برگزیده رویکرد ارتباطی، انگیزشی و روانشناختی می‌باشد. در رویکرد ارتباطی، توانمندسازی فرآیندی است که از طریق آن یک اجتماع، مجموعه، مدیر و یا رهبر سعی در تقسیم قدرت خود در بین زیر دستانش دارد (Heidari Sarban, 2009). در رویکرد انگیزشی، توانمندسازی ریشه در تمایلات انگیزشی افراد دارد. هر استراتژی که منجر به افزایش تعیین حق فعالیت کاری (خود تصمیم‌گیری) و کفایت نفس افراد گردد توانمندی آنها را در پی خواهد داشت (Mohmmadi, 2006). در رویکردهای ارتباطی و انگیزشی، اعتقاد به استقرار توانمندسازی از طریق دستیابی و تسهیل ویژگی‌های موقعیتی می‌باشد. در واقع، به حضور و عدم حضور شرایط ایجادکننده توانمندسازی در محیط کاری توجه می‌شود. در صورتی که در توانمندسازی روانشناختی تعبیر و تفسیر روانی افراد یا عکس‌العمل آنها به این شرایط است. به بیان دیگر، توانمندسازی روانشناختی عکس‌العمل افراد به شرایط توانمندسازی ساختاری است (Afja & Miri, 2009). به باور Hayes توانمندسازی کشاورزان از پیش شرط‌های ضروری برای دستیابی به توسعه کشاورزی

کشاورزان نقش مهمی را در توانمندسازی آنان بازی می‌کند. علاوه بر این، Sarvanan معتقد است که آموزش رکن اساسی توانمندسازی کشاورزان می‌باشد، زیرا آنها را قادر می‌سازد تا تغییرات جدید را پذیرفته و خودشان نیز دست به تغییر بزنند (Sarvanan, 2007: 302).

Windle در مطالعات خود به این نتیجه رسید بین استفاده از نهاده‌های کشاورزی، میزان دسترسی به منابع مالی، الگوی مصرف مواد غذایی و ماشین‌آلات مورد استفاده و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد (Windle, 2005: 30-35). هم‌چنین White در مطالعه‌ای پیرامون روش‌های توانمندسازی کشاورزان به این نتیجه رسید عضویت در تعاونی‌های تولیدی، میزان ارتباط با مددکاران ترویجی، میزان ارتباط با هم‌سالان از عوامل موثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شود (White, 2006: 67-68). در واقع Wellins et al. (2009) در تحقیقات خود عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان را شامل موارد زیر می‌دانند:

کیفیت منابع آب و خاک، میزان بارندگی متوسط سالانه، و نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی (Windle et al., 2009: 54-57). هم‌چنین Wallertein در مورد عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان تحقیقی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که میزان ارتباط با مروجین، میزان ارتباط با شوراهای شهری، میزان ارتباط با تشکل‌های مردمی، میزان ارتباط با مراکز حمایتی و بازرگانی از عوامل موثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شود (Wallertein, 2005: 20). به‌علاوه Storey در مطالعات خود پیرامون توانمندسازی روستاییان به این نتیجه رسید که بین کیفیت منابع آب و خاک کشاورزی، نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، میزان بارندگی متوسط سالیانه و توانمندسازی روستاییان رابطه معنی‌داری وجود دارد (Storey, 2007: 130-136). هم‌چنین Stiles در مطالعات خود پیرامون نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه مناطق روستایی به این نتیجه رسیده است که بین میزان ارتباط با تشکل‌های مردمی، عضویت در تعاونی‌های تولیدی، میزان ارتباط با شوراها و ارتباط با مروجین و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد. (Stiles, 2007: 841-842). Rotemberg در تحقیقات خود عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان را شامل موارد زیر می‌دانند:

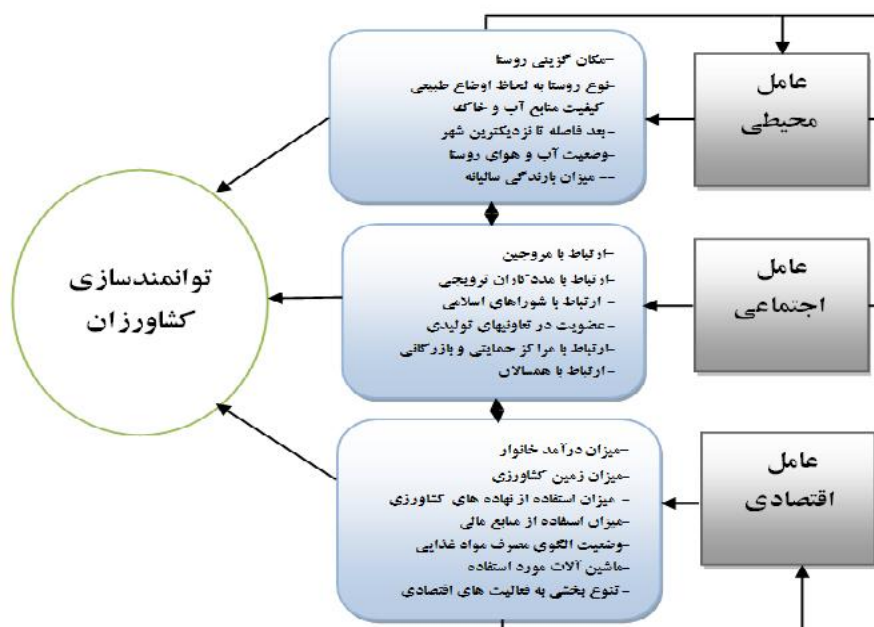
ابزارها و مهارت لازم، توسعه نهاده‌های مدنی، پرورش تفکر انتقادی در مناطق روستایی می‌باشد (Alinia, 2005).

گفتنی است علمای علوم مختلف از زوایای علمی متفاوت به مساله نگاه کرده‌اند که در این میان اقتصاددانان از زاویه اقتصادی به توانمندسازی نگاه می‌کنند و معتقدند که افراد توانمند عملکرد بالایی دارند. به عبارتی، در مقایسه با افراد غیرتوانمند، سود بیشتری نصیب خود می‌کنند (Rotemberg, 1994). Brief & Motowidlo در مطالعات خود دریافتند که در فرآیند مدیریت کشاورزی ضرورت دارد بستر جهت مشارکت نیروی کار، مداخله گروهی، استقلال و توسعه کارگروهی به صورت خودمدیریتی فراهم شود زیرا مشارکت سازنده در گروه توانمندسازی کشاورزان است (Brief & Rosenberg, 1998: 710-715). هم‌چنین Rosenberg بر این عقیده است اگر روستاییان این احساس را داشته باشند که دارای شایستگی شخصی و فردی هستند عزت نفس آنها بالا رفته و متعاقب آن بیشتر توانمند می‌شوند (Rosenberg, 1976: 680-681). Clifford معتقد است که «توانمندسازی یک فرآیند است و در قلمرو توسعه کشاورزی مستلزم تعهد مروجین و مسئولین بخش کشاورزی و کشاورزان در تمامی سطوح توسعه کشاورزی است (Fullam & Lando: 2000).

در نهایت، می‌توان گفت افزایش و تامین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی و ارتقای بهره‌وری کشاورزی مستلزم افزایش کارایی، اصلاح ساختار مدیریتی و بازآفرینی کشاورزان می‌باشد. که آن هم نیاز به تغییرات اساسی در دانش، نگرش، مهارت و تغییرات رفتاری در کشاورزان خواهد داشت. مسائل دانشی و مهارتی اموری هستند که از طریق آموزش حل می‌شود، گرچه مسایل انگیزشی به سختی حل می‌شوند ولی برنامه‌های آموزشی موثر به رفع بعضی از این مشکلات کمک می‌کند (Solving & Lessen, 2007). هم‌چنین Ilyes بر این اعتقاد است که نهادینه شدن دموکراسی، مشارکت افراد و وجود جنبش‌های اجتماعی نقش مهمی را در توانمندسازی کشاورزان دارد و عامل تسهیل‌گر در این زمینه وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های الکترونیکی می‌باشد. (Ilyes, 2003: 5) افزون بر این یافته‌ها نشان می‌دهد ارتقای رضایت شغلی، افزایش بهره‌وری، آمادگی رقابت و جلب اعتماد، اثر بخشی، رضایت و نوآوری

سوء تغذیه، کارایی پایین کشاورزی و ماندن آن رنج می‌برد. در این راستا، ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش و بهره‌گیری از پتانسیل‌های بالقوه بخش کشاورزی در سطح استان به دلیل نارسایی‌های متعدد از قبیل بهره‌وری پایین عوامل، ضعف در مدیریت، عدم کارایی واحدها، و اعمال شیوه‌های سنتی تولید از نیل به رشد مطلوب توسعه بازمانده است و از طرفی، بهره‌گیری مناسب از پتانسیل بالقوه بخش کشاورزی تا حدودی به توانمندسازی کشاورزان بستگی دارد. هدف این مقاله تحلیل عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل می‌باشد. و در این راستا، این مطالعه به دنبال آن است که این سؤال را مورد بررسی و کاوش قرار دهد: آیا بین عوامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی و توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل ارتباط معنادار وجود دارد؟ در این ارتباط ابتدا مبانی نظری توانمندسازی کشاورزی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس، عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل بررسی گردیده است.

نوع مالکیت زمین زراعی، تعداد و نوع ماشین‌آلات مورد استفاده، میزان استفاده از منابع مالی، میزان استفاده از نهاده‌های کشاورزی و میزان درآمد خانوار (Rosemary, 2004: 684-689). علاوه بر این، در مطالعات خود دریافت که بین بعد فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، مکان‌گزینی روستا، کیفیت منابع آب و خاک کشاورزی، و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد (Rosemary, 2000: 450-455). با این توصیف می‌توان گفت که در چارچوب رویکرد توسعه پایدار سه عامل محیطی، اجتماعی و اقتصادی در توانمندسازی کشاورزان موثر است. با توجه به اینکه استان اردبیل قابلیت‌ها و استعدادهای فراوانی در زمینه کشاورزی دارد؛ اقلیم مناسب، خاک حاصل‌خیز، و دشت‌های وسیع، منابع آب کافی، تنوع گونه‌های گیاهی، نیروی انسانی فراوان و سایر عوامل این زمینه را فراهم می‌سازد که این استان در عرصه تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی، بهتر عمل کند. به عبارتی، این عوامل یک نوع مزیت محسوب می‌شود. ولی با این حال از این ظرفیت‌های بالقوه نتوانسته است استفاده چندانی بکند و از فقر، بی‌سوادی،



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش؛

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

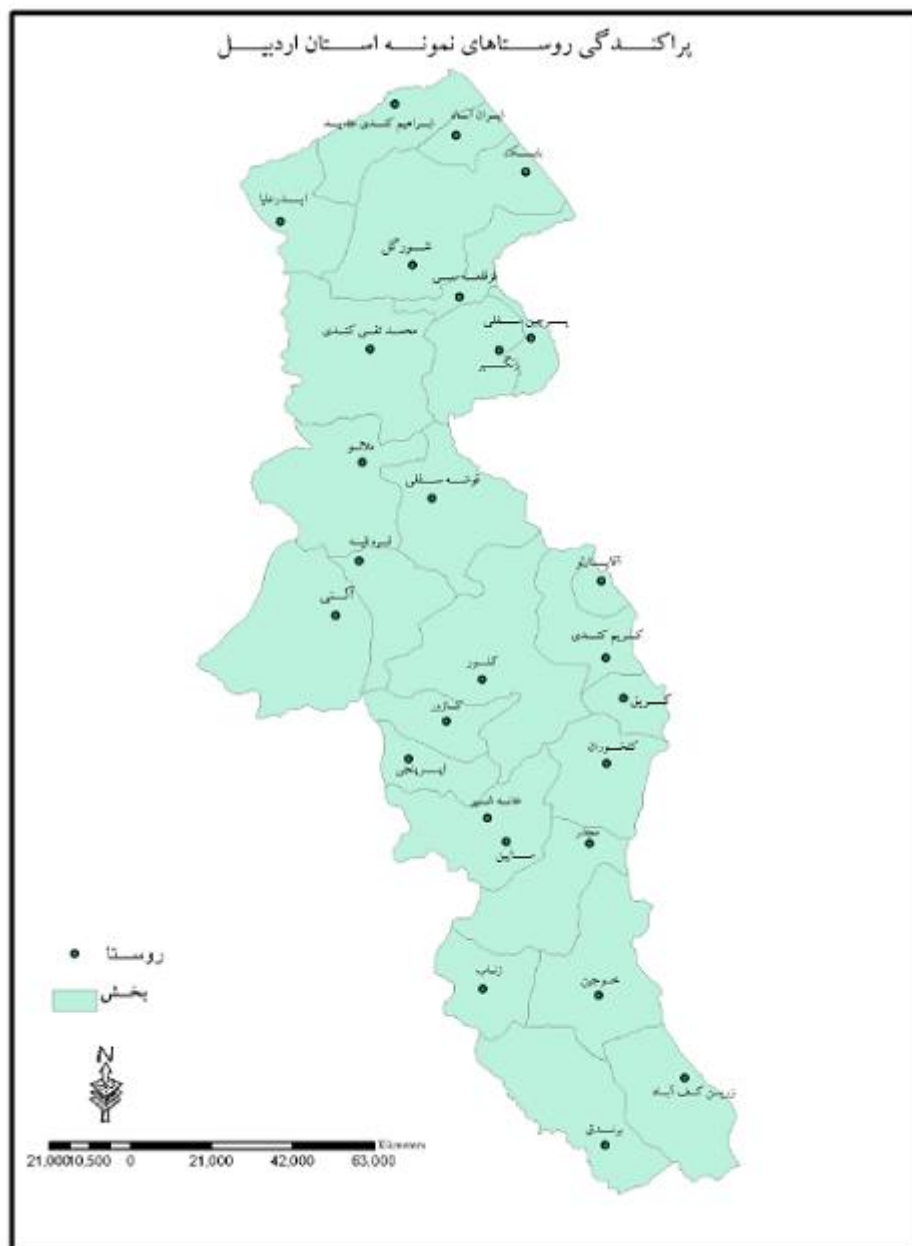
روش تحقیق

هدف این تحقیق تحلیل عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پیمایشی توصیفی، تحلیلی به‌شمار می‌رود. متغیرهای تحقیق حاضر، شامل متغیر مستقل و وابسته بودند که متغیرهای مستقل در برگیرنده عوامل محیطی (مکان‌گزینی روستا، نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی، کیفیت منابع آب و خاک، بعد فاصله تا نزدیک‌ترین شهر، وضعیت آب و هوای روستا، میزان بارندگی متوسط سالیانه) عوامل اقتصادی (میزان درآمد خانوار، میزان زمین کشاورزی، استفاده از نهاده‌های کشاورزی، میزان استفاده از منابع مالی، الگوی مصرف مواد غذایی، ماشین‌آلات مورد استفاده، پراکندگی زمین‌های کشاورزی، نوع مالکیت زمین زراعی، نرخ اشتغال و تعداد محصولات مورد کشت، تنوع بخشی به فعالیت‌های اقتصادی) و عوامل اجتماعی (میزان ارتباط با مروجین، میزان ارتباط با مددکاران ترویجی، میزان ارتباط با شوراهای اسلامی، عضویت در تعاونی‌های تولیدی، میزان ارتباط با تشکل‌های مردمی، میزان ارتباط با مراکز حمایتی و بازرگانی، میزان ارتباط با هم‌سالان می‌باشد و متغیر وابسته این تحقیق توانمندسازی کشاورزان می‌باشد. در پژوهش حاضر منظور از توانمندسازی، فرآیند قدرت بخشیدن به کشاورزان می‌باشد و در این فرآیند به کشاورزان کمک می‌شود تا بر احساس ناتوانی و درماندگی خویش چیره شوند. توانمندسازی در این معنی به بسیج انگیزه‌های درونی کشاورزان منجر می‌شود، تا توسعه کشاورزی را شتاب بیشتری ببخشند.

جهت جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه به کشاورزان ساکن در مناطق روستایی استان اردبیل که جامعه آماری تحقیق را شامل می‌شود مراجعه شد که در این میان تعداد کل بهره‌برداران کشاورزی استان اردبیل ۱۰۹۱۸۷ برآورد گردید. هم‌چنین، برای تعیین حجم نمونه بهره‌برداران کشاورزی ساکن در نقاط روستایی از

طریق فرمول کوکران استفاده و در نهایت، تعداد حجم نمونه تعداد بهره‌برداران کشاورزی ۲۵۶ نفر تعیین گردید. در این مقاله، روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ‌گویی به فرضیه بنیادین، به دو صورت اسنادی (داده‌های ثانویه) و پیمایشی (داده‌های اولیه) و ابزار مورد استفاده در روش پیمایشی، پرسش‌نامه بوده است. از طریق این ابزار عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل به کمک ۸۱ سوال بسته مورد سنجش قرار گرفت. برای امتیازدهی میزان توانمندسازی از طیف پنج قسمتی لیکرت استفاده گردید. در مرحله امتیاز دهی، از آنجا که دسته‌ای از سئوال‌ها در جهت منفی مطرح شده بودند، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، کدگذاری مجدد برای این دسته از سئوال‌ها انجام شد. بنابراین، امتیاز سئوال‌ها با جهت مثبت به صورت: ۵= کاملاً موافقم، ۴= موافقم، ۳= نظری ندارم، ۲= مخالفم، ۱= کاملاً مخالفم، و در مورد سئوال‌ها منفی عکس این حالت مورد استفاده قرار گرفت. افزون بر این، در تحقیق حاضر جهت تعیین روایی پرسش‌نامه تهیه شده، از نظرات چند همکار صاحب‌نظر در حیطه موضوع مورد مطالعه، دانشجویان جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و ترویج کشاورزی و کارشناسان ارشد سازمان جهاد کشاورزی استان استفاده شد. هم‌چنین، برای تعیین پایایی کمی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ و نرم افزار SPSS، استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای عامل اقتصادی ۰/۷۲، عامل اجتماعی ۰/۷۶ و عامل محیطی ۰/۷۷ محاسبه شد که مطلوب تلقی می‌شود.

تعداد روستاهای نمونه نمونه تحقیق با در نظر گرفتن میزان جمعیت روستاها، دوری و نزدیکی به شهر، قرارگیری در کنار جاده اصلی و دوری از جاده اصلی بر اساس فرمول کوکران و ضریب اطمینان ۰/۹۵ برابر با ۲۷ روستا از ۱۸۶۲ روستا با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعیین شد که نقشه (۱) توزیع جغرافیایی روستاهای نمونه تحقیق را نشان می‌دهد.



تعداد ۱۰ روستا از نوع دشتی (۳۸ درصد) و تعداد ۵ روستا از نوع جلگه‌ای- کوهستانی (۱۴ درصد) انتخاب شدند. نقشه (۲) موقعیت استقرار روستاهای نمونه استان را بر اساس ارتفاع نشان می‌دهد. در مقاله حاضر با توجه به مبانی نظری تحقیق و اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسش‌نامه و تعیین متغیرهای موثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل، به تجزیه و تحلیل متغیرها با استفاده از آزمون‌های آماری مختلف مانند

نحوه سنجش و انتخاب نوع روستاها از لحاظ اوضاع طبیعی بدین قرار بوده است که محققین از نزدیک تیپ روستاها را مشاهده نموده و سپس، مشاهدات خود را با اطلاعات متسخرج از سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان‌های استان اردبیل تطبیق داده و در نهایت به نسبت فراوانی هر نوع روستا، تعداد نمونه در هر نوع مشخص گردید. از این‌رو، بر اساس شاخص وضعیت ارتفاعی تعداد ۱۲ روستا از نوع کوهستانی (۴۸ درصد)

و کمترین فراوانی با ۱۱/۹ در سطح کم ارزیابی شدند. وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی ۲۴/۷ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۹/۶ در سطح کم، ۱۸/۵ در سطح متوسط، ۱۴/۶ در سطح زیاد و ۲۳/۵ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد عدالت اجتماعی بیشترین فراوانی با ۲۵/۵ در سطح کم و کمترین فراوانی با ۸/۵ در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد ماشین‌آلات مورد استفاده ۱۲/۷ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۵/۷ در سطح کم، ۹/۹ در سطح متوسط، ۳۱/۲ در سطح زیاد و ۳۰/۴ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد پراکندگی زمین‌های کشاورزی ۲۲/۷ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۴۰/۸ در سطح کم، ۱۰/۴ در سطح متوسط، ۱۰/۶ در سطح زیاد و ۱۵/۵ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد میزان استفاده از نهاده‌های کشاورزی ۳۱/۱ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۳۲/۶ در سطح کم، ۱۴/۵ در سطح متوسط، ۱۲/۶ در سطح زیاد و ۸/۹ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. نرخ اشتغال ۲۷/۹ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۲۳/۲ در سطح کم، ۱۵/۲ در سطح متوسط، ۱۶/۶ در سطح زیاد و ۱۷/۱ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، بیش‌ترین فراوانی با ۲۸/۳ در سطح کم و کم‌ترین فراوانی با ۱۰/۲ در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. در مورد میزان ارتباط با مروجین، بیش‌ترین فراوانی با ۳۴/۳ در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با ۶/۱ در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد میزان ارتباط با مددکاران ترویجی، بیش‌ترین فراوانی با ۳۲/۴ در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۷/۶ در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد میزان ارتباط با شوراهای اسلامی، بیش‌ترین فراوانی با ۲۷/۸ در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با ۱۰/۸ در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. در مورد عضویت در تعاونی‌های تولیدی، بیش‌ترین فراوانی با ۳۲/۳ در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۱۲/۱ در سطح خیلی کم ارزیابی شدند. در مورد میزان ارتباط با تشکل‌های مردمی، بیش‌ترین فراوانی با ۳۱ در سطح خیلی زیاد و کم‌ترین فراوانی با ۱۲/۴ در سطح کم ارزیابی شدند. در مورد میزان ارتباط با مراکز حمایتی و مالی، بیش‌ترین فراوانی با ۲۶/۴ در سطح کم و کم‌ترین فراوانی با ۱۲/۳ در سطح متوسط ارزیابی شدند.

روش‌های تحلیل همبستگی و مدل تحلیل مسیر پرداخته شده است. در تحقیق حاضر، این فرضیه‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرند:

بین عامل اقتصادی و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بین عامل محیطی و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بین عامل اجتماعی و توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتایج و بحث

یافته‌های توصیفی تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی جدول (۱) نشان می‌دهد که در مورد مکان‌گزینی روستا بیش‌ترین فراوانی با ۳۵/۱ در سطح کم و کم‌ترین فراوانی با ۹/۱ در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. وضعیت نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی ۱۹/۱ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۲۰/۵ در سطح کم، ۳۰/۱ در سطح متوسط، ۱۷/۲ در سطح زیاد و ۱۳/۱ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد کیفیت منابع آب و خاک، بیش‌ترین فراوانی با ۳۰/۶ در سطح متوسط و کم‌ترین فراوانی با ۱۳/۳ در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. در مورد بعد فاصله تا نزدیک‌ترین شهر ۲۹/۶ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۰/۳ در سطح کم، ۱۲/۵ در سطح متوسط، ۲۵/۷ در سطح زیاد و ۲۱/۸ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. وضعیت آب و هوای روستا ۲۵/۱ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۳۲/۶ در سطح کم، ۲۴/۲ در سطح متوسط، ۶/۵ در سطح زیاد و ۱۱/۶ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد میزان بارندگی سالیانه بیش‌ترین فراوانی با ۳۰/۵ در سطح خیلی کم و کم‌ترین فراوانی با ۵/۹ در سطح خیلی زیاد ارزیابی شدند. میزان درآمد خانوار ۱۱/۴ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۵/۷ در سطح کم، ۲۵/۷ در سطح متوسط، ۳۰/۶ در سطح زیاد و ۱۶/۶ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. میزان زمین کشاورزی ۱۵/۸ درصد پاسخ‌گویان در سطح خیلی کم، ۱۰/۶ در سطح کم، ۲۲/۹ در سطح متوسط، ۱۹/۸ در سطح زیاد و ۳۰/۶ در سطح خیلی زیاد برآورد گردید. در مورد میزان استفاده از منابع مالی بیش‌ترین فراوانی با ۲۷/۱ در سطح متوسط

جدول ۱- درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار عوامل موثر بر توانمندسازی کشاورزان

ردیف	متغیر	خیلی کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار	دامنه امتیاز
۱	مکان گزینی روستا	۲۴/۵	۳۵/۱	۱۱/۲	۲۰/۱	۹/۱	۵/۳۵	۲/۱۴-۰-۱۷
۲	نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی	۱۹/۱	۲۰/۵	۳۰/۱	۱۷/۲	۱۳/۱	۳/۳۲	۲/۹۹-۰-۱۵
۳	کیفیت منابع آب و خاک	۱۵/۳	۲۰/۵	۳۰/۶	۲۰/۴	۱۳/۳	۴/۱۱	۱/۱۳-۰-۲۵
۴	بعد فاصله تا نزدیکترین شهر	۲۹/۶	۱۰/۳	۱۲/۵	۲۵/۷	۲۱/۸	۴/۲۱	۳/۱۴-۰-۱۹
۵	وضعیت آب و هوای روستا	۲۵/۱	۳۲/۶	۲۴/۲	۶/۵	۱۱/۶	۳/۲۴	۲/۳۵-۰-۲۳
۶	میزان بارندگی متوسط سالیانه	۳۰/۵	۲۷/۱	۱۵/۶	۲۰/۹	۵/۹	۲/۲۱	۲/۲۴-۰-۱۱
۷	میزان درآمد خانوار	۱۱/۴	۱۵/۷	۲۵/۷	۳۰/۶	۱۶/۶	۴/۳۲	۳/۱۱-۰-۲۳
۸	میزان زمین کشاورزی	۱۵/۸	۱۰/۶	۲۲/۹	۱۹/۸	۳۰/۶	۴/۴۱	۲/۱۴-۰-۲۵
۹	میزان استفاده از منابع مالی	۱۹/۳	۱۱/۹	۲۷/۱	۲۳/۲	۱۸/۵	۵/۳۲	۲/۲۵-۰-۲۷
۱۰	الگوی مصرف مواد غذایی	۲۴/۷	۱۹/۶	۱۸/۵	۱۴/۶	۲۳/۵	۴/۶	۳/۱۱-۰-۲۰
۱۱	ماشین آلات مورد استفاده	۱۲/۷	۱۵/۷	۹/۹	۳۱/۲	۳۰/۴	۲/۴۵	۲/۲۵-۰-۲۱
۱۲	پراکندگی زمین های کشاورزی	۲۲/۷	۴۰/۸	۱۰/۴	۱۰/۶	۱۵/۵	۳/۶۵	۱/۸۸-۰-۲۹
۱۳	میزان استفاده از نهاده های کشاورزی	۳۱/۱	۳۲/۶	۱۴/۵	۱۲/۶	۸/۹	۲/۶۵	۲/۵۵-۰-۱۵
۱۴	نرخ اشتغال	۲۷/۹	۲۳/۲	۱۵/۲	۱۶/۶	۱۷/۱	۳/۵۱	۲/۳۶-۰-۲۳
۱۵	تنوع بخشی به فعالیت اقتصادی	۲۳/۵	۲۸/۳	۱۵/۶	۲۲/۴	۱۰/۲	۴/۵۶	۲/۶۵-۰-۲۳
۱۶	میزان ارتباط با مروجین	۶/۱	۱۱/۸	۳۴/۳	۳۳/۳	۱۴/۵	۴/۸۹	۳/۴۵-۰-۱۸
۱۷	میزان ارتباط با مددکاران ترویجی	۷/۶	۱۰/۵	۲۰/۹	۲۸/۶	۳۲/۴	۵/۰۵	۲/۲۵-۰-۲۸
۱۸	میزان ارتباط با شوراهای اسلامی	۱۶/۵	۲۴/۵	۲۷/۸	۲۰/۴	۱۰/۸	۴/۳۲	۳/۱۴-۰-۱۶
۱۹	عضویت در تعاونی های تولیدی	۱۲/۱	۱۵/۵	۲۰/۳	۱۹/۸	۳۲/۳	۴/۵۸	۱/۷۸-۰-۱۸
۲۰	میزان ارتباط با تشکل های مردمی	۱۶/۵	۱۲/۴	۲۱/۲	۱۸/۹	۳۱	۵/۲۵	۲/۳۳-۰-۲۱
۲۱	میزان ارتباط با مراکز حمایتی	۱۷/۵	۱۰/۶	۱۴/۱	۲۵/۱	۳۲/۶	۴/۴۱	۳/۳۵-۰-۲۵
۲۲	میزان ارتباط با همسالان	۲۴/۶	۲۶/۴	۱۲/۳	۱۶/۶	۱۹/۹	۵/۳۲	۲/۱۱-۰-۱۴

مآخذ: یافته های تحقیق

محیطی نشان داد با توجه به اینکه سطح معنی داری X_i دو در تمامی عامل ها به جز عامل محیطی کم تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرض H_0 تایید می شود و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که بین عامل اجتماعی و اقتصادی با توانمندسازی کشاورزان رابطه معنی داری وجود دارد.

برای تحلیل و آزمون فرضیه بانک اطلاعات داده ها تشکیل شد و پس از پردازش، تحلیل داده ها در دو بخش X_i و روش تحلیل مسیر انجام گرفت:

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون کای-اسکویر

همان طوری که در جدول (۲) دیده می شود نتایج آزمون کای اسکویر در رابطه با ویژگی های مختلف پاسخگویان از منظر مولفه های اقتصادی، اجتماعی و

جدول ۲- نتایج آزمون کای اسکویر جهت تعیین وجود رابطه میان ویژگی های مختلف افراد از منظر مولفه های اقتصادی، اجتماعی و محیطی

خصوصیات	کای اسکویر	وی کرامرز	سطح معنی داری
عامل محیطی	۱/۵۸	۰/۸۳۵	۰/۷۰۲
عامل اجتماعی	۱/۵۰	۰/۷۹۸	۰/۰۲۰
عامل اقتصادی	۱/۲۰	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰

مآخذ: یافته های تحقیق

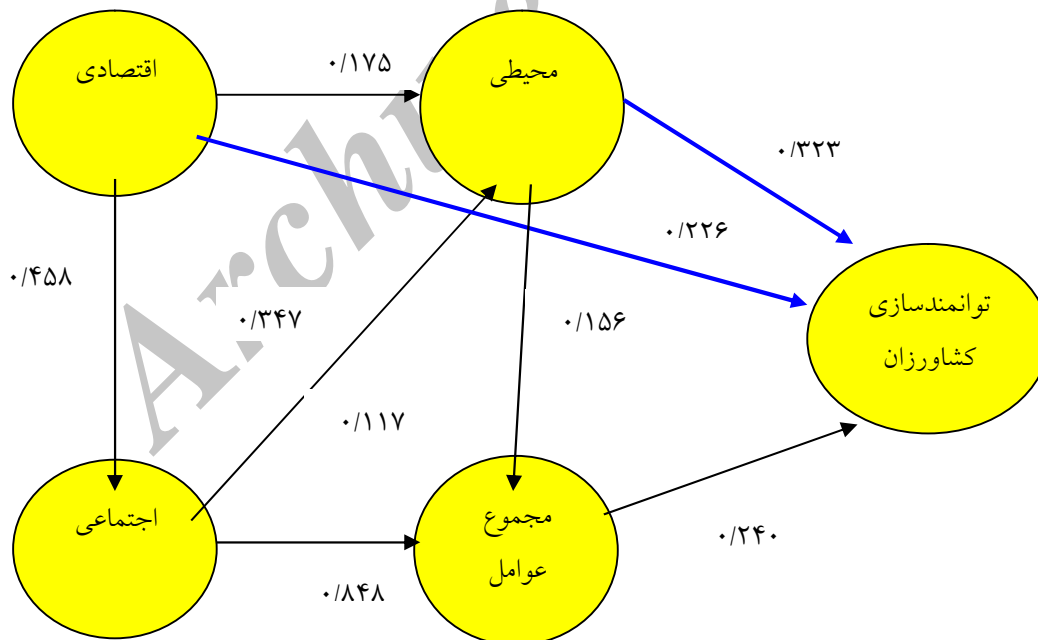
نتایج حاصل از تحلیل مسیر چهار عامل اصلی شامل: محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مجموع این سه عامل (محیطی، اقتصادی و اجتماعی) در شکل (۱) نشان داده شده است. بر این اساس، و بر اساس ضرایب همبستگی موجود، عامل اجتماعی و اقتصادی به ترتیب بیشترین تاثیر را در میزان توانمندسازی در روستاهای نمونه داشته‌اند. بر این اساس، عامل اجتماعی و اقتصادی علاوه بر اثرات مستقیمی که بر افزایش میزان توانمندسازی در روستاهای نمونه داشته با تاثیرگذاری بر دو عامل دیگر، اثرات غیر مستقیمی نیز در این زمینه داشته است که نباید مورد بی‌توجهی قرار گیرد. این موضوع نشان‌دهنده وجود اختلاف بین نظرات کشاورزان در مورد اهمیت هر یک از عوامل و نتایج حاصل از تحلیل مسیر است. نکته دیگر از یافته‌ها این است که بیشترین اختلاف در مورد اهمیت عامل اجتماعی و اقتصادی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل

مسیر

در این مرحله، به صورت یک‌جا به تحلیل مسیر عوامل اصلی تاثیرگذار بر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی مبادرت شده است. تحلیل مسیر برای تبیین دقیق‌تر روابط علی متغیرها به تجزیه همبستگی بین متغیرها می‌پردازد. از این طریق، اثرات مستقیم و غیرمستقیم یک متغیر، بر متغیر دیگر مشخص می‌گردد. آنچه که ضرایب همبستگی نشان می‌دهد اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهاست.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر ۰/۲۴۰. چهار عامل اصلی شامل: محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مجموع عوامل در شکل ۴ نشان داده شده است. در این مرحله به صورت یک‌جا به تحلیل مسیر عوامل اصلی تاثیرگذار بر میزان توانمندسازی کشاورزان مبادرت شده است و



شکل(۴):دیگرام تحلیل مسیر عوامل اصلی تاثیرگذار بر میزان توانمندسازی کشاورزان در روستاهای نمونه با استفاده از ضرایب همبستگی

کشاورزان را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در این ارتباط، تحلیل آماری نشان داد که بین ارتقای مولفه‌های اجتماعی و اقتصادی و توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. و در نهایت، با استفاده از مدل تحلیل مسیر این نتیجه حاصل شد که عامل اجتماعی بیش‌ترین تاثیر را در میزان توانمندسازی کشاورزان دارد و در مرحله بعد عامل اقتصادی، عامل محیطی و مجموع عوامل به ترتیب از عوامل تاثیرگذار در میزان توانمندسازی کشاورزان می‌باشد که این یافته‌ها تا حدودی با یافته‌های (Rotemberg, 1994)، (Windle, 2005)، (White, 2006)، (Wallertin, 2005)، (Stiles, 2007)، (2004) و (Rosemary) همسویی دارد. در نهایت، با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق توصیه می‌شود که دولت با اقدامات مداخله‌ای خود برنامه‌های آموزشی جامع و مستمری را برای مروجان در خصوص توانمندسازی کشاورزان ترتیب دهد تا مروجان بتوانند ظرفیت‌های شناختی کشاورزان را نسبت به پدیده‌های پیرامون خود ارتقای ببخشند. همچنین، در راستای توانمندسازی کشاورزان تحصیل دانش فرآیند پایان-ناپذیری است که باید همواره مورد توجه و پی‌گیری قرارگیرد. باید به امر سواد آموزی کشاورزان عنایت ویژه‌ای شود و برنامه‌های جامع و بلندمدت در این زمینه تصویب گردد و شایسته است خدمات حمایتی مالیاتی از طریق عرضه و توزیع نهاده‌های کشاورزی، اعطای وام‌های با بهره کم، اعطای اعتبارات عمرانی، خرید تضمینی محصولات کشاورزی، ایجاد تاسیسات زیربنایی در روستاها، ایجاد مراکز بهداشتی و یکپارچه کردن کلیه فعالیت‌های توسعه کشاورزی و آموزش کشاورزان زمینه توانمندسازی کشاورزان مهیا گردد. در نهایت، حمایت از تشکیل تعاونی‌های تولیدی که در توسعه عوامل سرمایه اجتماعی، انسانی، مالی، فیزیکی، و طبیعی نقش مهمی را داشته و فرآیند توانمندسازی کشاورزان را از هر منظر تسهیل و تسریع می‌کند باید مورد توجه خاص قرارگیرد.

همان‌طور که در شکل تحلیل مسیر دیده می‌شود عامل اجتماعی بیشترین تاثیر را در میزان توانمندسازی کشاورزان دارد و در مرحله بعد، عامل اقتصادی، عامل محیطی و مجموع عوامل به ترتیب از عوامل تاثیرگذار در میزان توانمندسازی کشاورزان می‌باشد. پس از محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم کلیه متغیرها، مجموع این اثرات در جدول (۳) خلاصه شده است.

جدول ۳- مجموع تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات غیر مستقیم	اثرات مستقیم	مجموع تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم هر متغیر
عامل اقتصادی	۰/۱۴۲	۰/۲۲۶	۰/۳۶۸
عامل اجتماعی	۰/۳۲۷	۰/۱۱۷	۰/۴۴۴
عامل محیطی	۰/۰۳۶	۰/۳۲۳	۰/۳۵۹
مجموع عوامل	-	۰/۲۴۰	۰/۲۴۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و پیشنهادها

در سال‌های اخیر توانمندسازی به عنوان یک راهکار برای خلق کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی در بخش کشاورزی مورد توجه قرار گرفته است و توانمندسازی از طریق ارتقای مهارت‌های مدیریتی کشاورزان، ارتقای قدرت چانه‌زنی کشاورزان برای کسب امتیازات و دستیابی به حقوق خودشان، ارتقای بهره‌وری کار، ارتقای کیفیت زندگی کشاورزان، ارتقای اطلاعات اقتصادی کشاورزان، کمک به افزایش کارایی و بازده تولید، حفاظت از خاک و منابع طبیعی، مدیریت موثر و فعال مزرعه و فعالیت‌های کشاورزی و غیره توسعه کشاورزی شتاب بیشتری می‌بخشد. همان‌طور که مطرح گردید نوشتار حاضر عوامل موثر بر توانمندسازی

REFERENCES

1. Afja, S.A. & Miri, A. (2009). Pattern of empowerment for promoting of the staffs performance. *Journal of Iranian Management Sciences*, 14, 149-169. (In Farsi)
2. Alinina, sh. (2004). Women empowerment, *Journal of Management Studies*, 5 (9), 5-29.
3. Anster, J. (2004). Translation from the German of Preclude at the Faust, *Community Development Journal*, 4(8), 125-152.
4. Brief, A. & Motowildo, S. (1998). Prosaically organizational behaviors. *Academy of Management Review*, 11, 710-715.
5. Clayton, A. (2000). An Empirical Test of a New Theory of Human Needs. *Organizational Behavioral and Human Performance*, 5(1), 142-148.
6. Fulllam, C. & Lando R. (2000). The triad of empowerment: leadership, environment and professional traits, *Nursing Economic*, 2(10), 54-57.
7. Hayes, B.E. (2003). How to measure empowerment, *Quality progress*, 27(2), 120.
8. Heidari, S, V. (2012). The empowerment: an essential step towards rural development, *Journal of Geographical Researches*, 27(3), 172.
9. Heidari, S.V. (2009). The role of empowerment knowledge of agricultural Jihad experts and farmers on agricultural development, Case Study, Ardabil Province, A Thesis Presented for the Degree of Ph.D in Geography and Rural Planning, Faculty of Humanities, Tarbiat Modarres University. (In Farsi)
10. Ilyes, p. (2003). Am bivalents elites and conservative modernizers studying sideways in transnational context institute of cultural anthropology and European ethnology, *Journal of Political Economy*, 2(11), 11- 25.
11. Kalantari, E. (1996). The Expansion of the science effects on agricultural development, *Journal of Economy, Agriculture and development*, 2(12), 169-176. (In Farsi)
12. Kanter, R.M.O. (2006). Power Failure in Management Cricuits. *Harward Business Review*. pp, 22-24.
13. Klantari, Kh., Shabanali, H., & Serosh, M. (2010). Survey of facilitators' factors of the rural women economic empowerment, Case Study, Hamadan County, *Journal of Rural and Development*, 2, 108-109. (In Farsi)
14. Moghaddasi, A. (2001). The presentation of a model for empowerment of industry Experts, *Journal of Successful Management Paiam*, 5(10), 25-53.
15. Mohammadi, M. (2006). The empowerment of human force, *Journal of Management Studies* 2(10), 124-153.
16. Pathasarathy, G. (2002). *Agricultural Development and Small Farmer Study of Andhra Pradesh, Bombay, Vikas Publications*, pp. 121-124.
17. .
18. Riahi, B. (2005). The empowerment of human force: a duty of a necessary. *Industry and Development*, 2(10), 25- 32.
19. Roknaldin Eftekhari, A., Porthri, M., & Heidari Sarban, V. (2009). Role of empowerment on agricultural development, *Journal of Human Geography Reserches*, 69, 90-91.
20. Rosemary, H. (2000). *Natural resource management issue and strategies*, Addisonweily Publisher LTD, pp. 450-455.
21. Rosenberg, M. (1999). *Society and the Adolescent Self-Image*, Princeton, NJ. Princeton University Press, pp.680-681.
22. Rotemberg, J. (2004). Human relations in the workplace, *Journal of Political Economy* (August), 684-689.
23. Sarvanan, R. (2007). Privatization of Agricultural Extension Service in India - An Attitudinal Analysis, 1(2), 226-235.
24. Steain, J. (1997); Empowerment and Womans Health . Theory, Methods, and Practice, *Journal of Health Politics*, 2(5), 607-611.
25. Stiles, K. (2007). *International Support for NGO in Bangladesh: Some Unintended Consequences*, Lofla University, Chicago, Illinois, PP. 841-842
26. Storey, D. (2007). Issues of integration, participation and empowerment in rural development: The Case of LEADER in the Republic of Ireland, 15(3), 307-315.

27. Tubbs, S. (2003). *The historical roots of self-managing work teams in the twentieth century: an annotated bibliography*, In M.M. Beyerlein and D.A. Johnson (Eds.). *Advances in interdisciplinary studies of work teams*. 39-66. Greenwich: JAI Press.
28. Wallertein, N. (2005). *Empowerment and health: the theory and practice of community development change in rural regions*. *Community Development Journal*, 2 (10), 15- 32.
29. Wellins, R., Byham, W., & Wilson, J. (2009). *Empowerment teams: creating self-directed work groups that improve quality of agricultural productions productivity and participation*, Group, Jossey-Bass, San Francisco.
30. White, S.C. (2006). *Depoliticizing development in the uses and abuse of participation*, *Development in Practice*, 2(10), 67-68.
31. Windle, I. (2005). *Efficiency through knowledge* *Financial Times*, *Administrative Science Quarterly*, 4(3), 30-35.
- 32.

Archive of SID